



اعضای کانون فرهنگی مذهبی مدافعان حرم، وصیت نامه بچه محلشان را روی یکی از دیوارهای محله ولیعصر (عج) نقش زده‌اند

نقش یار بر دیوار

از «خلج» به خیابان «شهید دانی» می‌رویم. مقصد ما «دانی ۵۱» است که به نام «شهید منوچهر فدائی مقدم» مزین است. وارد کوچه که می‌شویم اولین چیزی که چشممان را به سمت خودش می‌کشد نقاشی دیواری است که سمت راست روی دیوار ابتدایی کوچه نقش بسته است، شبیه به کارت شناسایی که شناسنامه محل هم هست. عکس و مشخصات شهید در میان قاب رنگی کارت ورود به محله «فدائی مقدم» شده است. از اهالی محل که بررسی می‌گویند نقاشی کار بچه‌های کانون مدافعان حرم است، بچه‌هایی که مال همین محل هستند و فعالیتشان محله «فدائی مقدم» را در میان تمام محلات منطقه خاصی می‌کند.

نام شهید، مرام شهید

خیلی وقت‌ها نام شهید که بر سر کوچه‌ای می‌خورد فقط تبدیل به آدرسی می‌شود که بتوان کوچه را به نامش خواند، اما اینجا جوانان محل دلشان نمی‌خواهد بگذارند این اتفاق بیفتد؛ آن‌ها می‌خواهند که مردم شهیدشان را بشناسند، بدانند که شهید فدائی مقدم چطور از پشت نیمکت‌های مدرسه خودش را به جبهه رساند، چه مرامی داشت و وقتی پدرش با جبهه رفتن مخالفت کرد چگونه از علی اکبر امام حسین برای او گفت که دل پدر را راضی به رفتن کند. پدرش اهل جبهه و جنگ بود، اما مهر پدری اش نمی‌گذاشت بگذارد نوجوانش در معرض خطر قرار بگیرد، اما منوچهر به پدر می‌گوید:

«مگر امام حسین مانع علی اکبر شد که شما جلوم را می‌گیرید؟!»، کلامی که دل پدر را با او نرم می‌کند. بعد از حضور شش ماهه در خط مقدم به آن چیزی که دلش می‌خواهد می‌رسد و حالا در کانون فرهنگی مدافعان حرم کسانی هستند که نمی‌خواهند بگذارند که یادگاری شان از شهید در حد یک اسم باقی بماند. آن‌ها می‌خواهند که نام شهید فقط آدرس کوچه نباشد، مرام کوچه هم باشد و به همین دلیل تصمیم می‌گیرند کاری کنند. شناسایی دیوار مناسب و چند قوطی رنگ و نقاشی و عکس شهید می‌شود تا بلوغیایی از مشخصات شهید که هرکس وارد کوچه شود می‌بیند.

ایده، گیر کاغذبازی

ید... هاشمی که سال‌هاست کارهای فرهنگی می‌کند به مسئولان فرهنگی منطقه ۷ پیشنهاد داده است که علاوه بر نام‌گذاری کوچه‌ها به نام شهدا عکس شهید همراه با مشخصات هم کنارش باشد. اومی گوید: «افراد باتصویر بیشتر ارتباط می‌گیرند، اگر عکس هم کنار اسم باشد، بیشتر توجه را جلب می‌کند». او منتظر مسئولین نشده که طرحش را اجرا کنند و خودش آن را همراه با بچه‌های کانون در این محل انجام داده است.

در دلد های هاشمی و گلایه‌هایش از مسئولین به اینجا ختم نمی‌شود. می‌گوید مدت‌ها پیگیر بوده است که محله «شهید محمد دهقان» به اسم او شود، محله‌ای که هنوز پدر و مادر شهید آنجا زندگی می‌کنند، اما آن قدر کاغذبازی جلوپایش گذاشته‌اند که این کار به انجام نرسد.

کانون، شروع یک فکر خوب

برای رسیدن به کانون از پله‌ها بالا می‌روی و به پشت بام می‌رسی. کانون از حدود دو سال پیش از یک اتاق مشترک در پاگرد پله‌های «بیت الرقیه» شروع و حالا به یک اتاق کوچک بالای پشت بام ختم می‌شود که با کمک بچه‌های کانون گسترش پیدا کرده است. اسم کانون از برکت نام شهید مدافع حرم، احمد قاسمی دانا، وام گرفته شده که رفیق دیرینه هاشمی بوده است. یک جمع نه نفر از جوانان محل دورهم جمع

می‌شوند که کانون فرهنگی مدافعان حرم را راه بیندازند، جوانانی که می‌دانند نباید دست روی دست بگذارند. آن‌ها مشکلات حاشیه‌نشینی را به خوبی درک کرده‌اند؛ می‌دانند اینجا خبری از فضاهای تفریحی نیست، بچه‌ها سرگرمی درست و حسابی ای ندارند و اعتیاد و درگیری‌ها و محیط نامناسب خیلی زود می‌تواند بچه‌ها را گرفتار کند؛ می‌دانند که قرار نیست کسی برایشان کاری بکند و باید خودشان آستین بالا بزنند.

برنامه‌ای برای آشتی با مسجد

برنامه‌های فرهنگی و مذهبی «بیت الرقیه» را کانون انجام می‌دهد. برنامه‌های مناسب‌ها را بچه‌های کانون سر و سامان می‌دهند. برای ولادت‌ها محله را آذین می‌بندند و برای سوگواری‌ها آن را سیاه پوش می‌کنند. هاشمی می‌گوید: «می‌خواهیم در و دیوار محله مان نشان بدهد که امروز با بقیه روزها فرق دارد». اما این چیزی نیست که بچه‌های با انگیزه کانون مدافعان حرم را راضی نگه دارد و برنامه‌های فرهنگی و کلاس‌های آموزشی و فوق برنامه هم دارند. همه کلاس‌ها را در همان اتاقی برگزار می‌کنند که به همت خودشان احیا شده است. هاشمی می‌گوید: «می‌خواهیم مسجد محور باشد و هر برنامه‌ای که اجرایی شود بچه‌ها اینجا مرتبط باشند و مسجد برای صرف خواندن نماز نباشد». گاهی خانواده‌ها آن قدر درگیر هستند که خودشان از حضور در مسجد غافل می‌شوند



در کانون فرهنگی مدافعان حرم کسانی هستند که نمی‌خواهند بگذارند که یادگاری شان از شهید در حد یک اسم باقی بماند. آن‌ها می‌خواهند که نام شهید فقط آدرس کوچه نباشد، مرام کوچه هم باشد